

بررسی انواع تاکید در زبان فارسی

محمد راسخ مهند

(استادیار دانشگاه بوعلی سینا، همدان)

rasekh@basu.ac.ir

چکیده:

اصطلاح تاکید [focus] حداقل در دو معنی در مباحث زبانشناسی به کار رفته است: نخست، اشاره به سازه یا عبارتی دارد که از حیث آوایی برجسته تر از سازه های دیگر جمله تلفظ می شود (جکنداف ۱۹۷۲، ولدووی ۱۹۹۰، ولدووی و انگدال ۱۹۹۶، روت ۱۹۹۵)، و کاربرد دوم آن به معنای بخشی از جمله است که دارای اطلاع نو می باشد و از آن به عنوان تاکید جمله یاد می شود (جکنداف ۱۹۷۲، ولدووی ۱۹۹۰، روت ۱۹۹۵، کیدوای ۲۰۰۰، ایشی هارا ۲۰۰۰، برونٹی ۲۰۰۳، کولز ۲۰۰۳). تاکید را می توان در زبان های مختلف با استفاده از ابزار آوایی، صرفی و نحوی نشان داد. برخی زبانها از یکی از این ابزار استفاده می کنند؛ برخی دیگر از همه این ابزار برای بیان تاکید استفاده می کنند (ولدووی و انگدال ۱۹۹۶، زوبی زارتا ۱۹۹۸، کیدوای ۲۰۰۰). در بسیاری اوقات از ترکیبی از ابزارهای نحوی، صرفی و آوایی برای نشان دادن تاکید استفاده می شود. در این مقاله سعی بر آن است تا نشان دهیم در زبان فارسی انواع تاکید کدامند و چه تفاوتهایی با همدیگر دارند. به این منظور سعی می شود تعریف مشخصی از تاکید ارائه شود و تفاوت آن با مبتدا [topic]، و زمینه [ground] یا پیش انگاره [presupposition] مشخص شود. همچنین میان تاکید اطلاعی [information focus] جمله که در هر جمله وجود دارد، دارای اطلاع نو می باشد، می تواند بخشی از جمله یا کل آن را شامل شود، و فقط شامل موضوعهای درونی [internal arguments] و متمم ها می باشد؛ و تاکید تقابلی [contrastive focus] که تاکید نشاندار است، لزوما در هر جمله ای وجود ندارد، علاوه بر داشتن اطلاع نو، معنای تقابل [contrast] یا نوعی برجستگی [prominence] در خود دارد، فقط شامل واژه یا بخشهای کوچکتر از واژه می شود، و می تواند شامل همه موضوعها و ادات [adjunct] نیز باشد؛ تفاوت می گذاریم.

واژگان کلیدی: نحو، کاربردشناسی، تاکید، تاکید اطلاعی، تاکید تقابلی

۱ مقدمه

اصطلاح تاکید [focus] حداقل در دو معنی در مباحث زبان‌شناسی به کار رفته است: نخست، اشاره به سازه یا عبارتی دارد که از لحاظ آوایی برجسته تر از سازه های دیگر جمله تلفظ می شود (جکنداف ۱۹۷۲، ولدووی ۱۹۹۰، ولدووی^۱ و انگدال ۱۹۹۶، روت^۲ ۱۹۹۵) و کاربرد دوم آن به معنای بخشی از جمله است که دارای اطلاع نو می باشد و از آن به عنوان تاکید جمله یاد می شود (جکنداف ۱۹۷۲، ولدووی ۱۹۹۰، روت ۱۹۹۵، کیدوای ۲۰۰۰، ایشی هارا ۲۰۰۰، بروننتی ۲۰۰۳، کولز ۲۰۰۳). برای تمایز میان این دو معنا و با پیروی از گودجواک^۳ (۲۰۰۰) برای کاربرد نخست این واژه از اصطلاح "برجستگی آوایی" [prosodic prominence] استفاده می کنیم و اصطلاح "تاکید" را در معنای دوم آن و معادل "تاکید جمله" به کار می بریم. البته اکثر منابعی که ذکر آن رفت بر این نکته تاکید کرده اند که میان برجستگی آوایی و تاکید جمله ارتباط وجود دارد، هرچند ماهیت این ارتباط کاملاً مشخص نیست.

تاکید پدیده پیچیده ای است. اکثر اوقات آن را پدیده ای کلامی تعریف می کنند که اطلاع جدیدی را همراه دارد. به عنوان مثال پاسخی که به عبارت پرسشی داده می شود، تاکید جمله است (←۲). سوالی که در این باره مطرح است این است که آیا عاملی دستوری وجود دارد که تاکید را در زبان نشان دهد؟ در بسیاری از زبانهای مختلف از تکیه جمله [sentence stress] به عنوان یکی از سر نخهای شناسایی تاکید یاد می شود (سینک ۱۹۹۳، راینهارت ۱۹۹۵، زوبی زارتا ۱۹۹۸، کیس ۱۹۹۸، سزوندری ۲۰۰۱، بروننتی ۲۰۰۳). بر این اساس عبارتی که تاکید جمله است با تکیه جمله در ارتباط است (←

¹ Vallduvi

² Rooth

³ Godjevac

۱-۲). پس تاکید فقط مفهومی کلامی نیست زیرا با تکیه جمله نیز در ارتباط است. از طرفی در برخی از زبانها آرایش واژگانی جمله نیز در نشان دادن تاکید جمله دخیل است (ولدووی ۱۹۹۰، چوی ۱۹۹۶، راینهارت و نیلمن ۱۹۹۷، برونیتی ۲۰۰۳). در برخی از این زبانها تاکید بی نشان در جمله دارای جایگاه نحوی خاصی است (← ۲). همچنین برخی ساختهای نحوی، مانند جملات اسنادی شده [cleft] و شبه اسنادی شده [pseudo-cleft] نیز در نشان دادن تاکید جمله نقش دارند. پس تاکید، علاوه بر اینکه مفهومی کلامی و آوایی است، به ساخت نحوی جمله نیز ربط دارد. در بخش (۱-۲) به دیدگاههایی پرداخته شده است که به ارتباط میان تاکید و عوامل آوایی توجه دارند و در بخش (۲-۲) به دیدگاههایی اشاره شده که به نمایش نحوی تاکید توجه دارند.

بسیاری از زبانشناسان بین دو نوع تاکید تفاوت قائل شده اند. نوع اول، تاکیدی است که فقط اطلاع نو و از پیش فرض نشده را در اختیار شنونده قرار می دهد. و نوع دوم تاکیدی است که دارای نوعی تقابل با اطلاع قبلی شنونده است و فرض قبلی وی را تصحیح می کند (ولدووی ۱۹۹۰، ولدووی و انگدال ۱۹۹۶، زوبی زارتا ۱۹۹۸، کیس ۱۹۹۸، ایشی هارا ۲۰۰۰، سزوندری ۲۰۰۱، برونیتی ۲۰۰۳، کولز ۲۰۰۳). در این مقاله برای اشاره به تاکید نوع اول از اصطلاح تاکید اطلاعی [informative focus] و برای اشاره به تاکید نوع دوم از تاکید تقابلی [contrastive focus] استفاده می شود. در بخش (۳) به تفاوت این دو نوع تاکید در فارسی پرداخته شده است.

تاکید را می توان در زبانهای مختلف با استفاده از ابزار آوایی، صرفی و نحوی نشان داد. برخی زبانها از یکی از این ابزار استفاده می کنند؛ برخی دیگر از همه این ابزار برای بیان تاکید استفاده می کنند (ولدووی و انگدال ۱۹۹۶، زوبی زارتا ۱۹۹۸، کیدوای ۲۰۰۰). در بسیاری اوقات از ترکیبی از ابزارهای نحوی، صرفی و آوایی برای نشان دادن تاکید استفاده می شود. بخش (۳) به شیوه های مختلف در فارسی برای نشان دادن تاکید می پردازد که شامل استفاده از ابزار آوایی، ابزار صرفی و ابزار نحوی می باشد. داده های فارسی نشان می دهد این زبان از هر سه ابزار برای نشان دادن تاکید بهره می برد و در بسیاری موارد در هر جمله ترکیبی از آنها را به کار می برد.

۲ تاکید

درباره تاکید مطالب بسیاری نوشته شده است. در این بخش سعی می شود دیدگاهها و آرای مختلف درباره تاکید معرفی شود و به نقاط مشترک و متفاوت این دیدگاهها اشاره شود. در بخش (۱-۲) به رویکردهای آوایی و در بخش (۲-۲) به نمایش نحوی تاکید اشاره می شود.

در بسیاری از منابعی که به بحث تاکید پرداخته اند از آزمون پرسش و پاسخ برای نشان دادن تاکید استفاده شده است (ولدووی ۱۹۹۰، هاکی ۱۹۹۸). بر این اساس پاسخی که به کلمه پرسشی داده می شود، تاکید جمله است. یعنی تاکید بخشی از جمله است که دارای اطلاع نو است و دانش قبلی شنونده را افزایش می دهد. بخش مقابل تاکید، زمینه است^۴ که دارای اطلاع نو نیست. در پاسخ به پرسش معمولا فقط تاکید جمله ذکر می شود و این بی نشان ترین حالت گفتگو است (ولدووی و انگدال ۱۹۹۶)؛ اما در مباحث زبانشناسی برای نشان دادن بخش زمینه، آن را نیز در بخش پاسخ می آورند. مثالهای (۱) تا (۳) به رابطه میان کلمات پرسشی و تاکید جمله می پردازد و نشان می دهد که دامنه تاکید در جمله بستگی به نوع کلمه پرسشی دارد. زیر بخش تاکید جملات خط کشیده شده است.

(۱) چه خبر است؟

نازنین با عروسکش بازی می کند.

(۲) نازنین چه کار می کند؟

نازنین / او با عروسکش بازی می کند.

(۳) نازنین با چی بازی می کند؟

نازنین / او با عروسکش بازی می کند.

همانطور که مشخص است در جمله (۱)، تاکید شامل تمام جمله است در حالی که در جمله (۲) شامل گروه فعلی و در جمله (۳) شامل مفعول جمله است. تاکید جمله در برخی زبانها به لحاظ آوایی برجسته است (مانند انگلیسی) و در برخی زبانها آرایش واژگانی جمله، تاکید را نشان می دهد (مانند کاتالان). این دو رویکرد به نمایش تاکید را در بخش های (۲-۱-۱) و (۲-۱-۲) بررسی می کنیم.

۲-۱ نمایش آوایی تاکید

همانگونه که در مقدمه ذکر شد تاکید با ساخت آوایی و ساخت نحوی جمله در ارتباط است. در این بخش به ارتباط تاکید با تکیه جمله، به عنوان واحدی آوایی، خواهیم پرداخت.

۵ علاوه بر اصطلاح زمینه، از دو اصطلاح پیش انگاره [presupposition] و پیش زمینه [background] (جکنداف ۱۹۷۲) نیز برای اشاره به بخش مقابل تاکید استفاده شده است.

اکثر محققان بر این نکته متفق القولند که ساخت آوایی جملات در نشان دادن تاکید جمله موثر است، اما چگونگی تحقق این امر مورد اتفاق نیست. دو رویکرد در ارتباط با چگونگی رابطه میان تاکید و عناصر آوایی و به طور خاص تکیه جمله وجود دارد. هاکی (۱۹۹۸) به پیروی از لد (۱۹۹۶) آنها را شیوه های "شاخص-بنیاد" [highlighting based] و "ساخت بنیاد" [structure based] می نامد. در شیوه شاخص-بنیاد میان تاکید و تکیه جمله رابطه یک به یک وجود دارد: هر تاکید دارای یک تکیه است و هر تکیه یک تاکید را نشان می دهد. بر این اساس واژه هایی که تکیه جمله را با خود دارند، تاکید جمله محسوب می شوند. البته در این الگو تاکید می تواند واژه یا واحدهای کوچکتر از واژه باشد، اما نمی تواند واحدی بزرگتر از واژه باشد (گودجواک ۲۰۰۰ ص ۱۵). مثال های (۴) نشان دهنده واژه ای هستند که تاکید می باشد و مثال (۵) واحدی کوچکتر از واژه را به عنوان تاکید نشان می دهد. (ذکر این نکته ضروری است که در مثالهای زیر تکیه جمله قویتر از حالت بی نشان (جملات (۱) تا (۳)) است، به همین خاطر آن را با حروف تیره نشان داده ایم. تفاوت این دو نوع تکیه را در بخش (۳) پی می گیریم.

(۴) الف. نازنین یک کامپیوتر جدید خرید.

ب. نازنین یک کامپیوتر جدید خرید.

(۵) نازنین پارسال لندن بود نه امسال.

در (۴) الف تاکید جمله "جدید" است و در (۴) ب "نازنین" است. رابطه متناظری بین تاکید و تکیه جمله وجود دارد. اما در (۵) تکیه جمله بر پیشوند "پار-" قرار می گیرد تا با پیشوند "ام-" در امسال" در تقابل باشد. پس بر این اساس تاکید جمله می تواند واژه و گاهی اوقات واحدهایی کوچکتر از واژه باشد. در چنین مواردی که دامنه تاکید محدود به واژه یا واحدی کوچکتر است، به آن تاکید محدود [narrow focus] می گویند (گودجواک ۲۰۰۰). تاکید محدود منحصر به واژه ای است که دارای تکیه است.

اما همیشه تاکید جمله برابر با واژه ای که تکیه دارد نیست. گاهی یک واژه تکیه دارد، اما تاکید یک سازه یا کل جمله است (مثالهای ۱ و ۲). پس ادعای دیدگاه شاخص-بنیاد مبنی بر اینکه همیشه رابطه یک به یکی میان تکیه و تاکید وجود دارد، درست نیست (ولدووی و انگدال ۱۹۹۶، هاکی ۱۹۹۸، گودجواک ۲۰۰۰). در رویکرد ساخت-بنیاد میان توزیع تکیه و توزیع تاکید رابطه متناظر وجود ندارد. البته وقتی تاکید محدود باشد، رابطه آن با تکیه برابر است؛ اما در تاکید گسترده [broad focus]، که

بیش از یک واژه تاکید جمله محسوب می شود، رابطه یک به یک بین تکیه و تاکید وجود ندارد. این وضعیت باعث به وجود آمدن ابهام در تاکید جمله می شود. مثال (۶) را در نظر بگیرید.

(۶) نازنین یک کامپیوتر نو خریده است.

در این جمله تاکید بر روی واژه "کامپیوتر" است. می توان جمله (۶) را در پاسخ به سوالات مختلف در (۷) به کار برد:

(۷) الف. آیا نازنین یک ضبط صوت نو خریده است؟

ب. نازنین چه چیزی خریده است؟

ج. نازنین چه کار کرده است؟

د. چه خبر شده است؟

وقتی جمله (۶) را در پاسخ به سوال (۷) الف به کار می بریم، تاکید محدود در جمله وجود دارد زیرا محدوده آن فقط یک واژه است و در تقابل با "ضبط صوت" در پرسش آورده شده است. در بحث انواع تاکید در بخش (۲-۲) به این نوع تاکید با نام تاکید تقابلی اشاره خواهد شد. اگر جمله (۶) در پاسخ به پرسش (۷) ب آورده شود، تاکید جمله گسترده تر است زیرا مفعول جمله، یعنی "یک کامپیوتر نو"، را دربردارد که برابر با عبارت پرسشی است که در سوال مطرح است. اگر جمله (۶) در پاسخ به سوال (۷) ج آورده شود، تاکید جمله باز هم گسترده تر است و کل گروه فعلی "یک کامپیوتر نو خریده است" را دربرمی گیرد. و در نهایت اگر جمله (۶) پاسخ سوال (۷) د باشد، کل جمله تاکید می باشد و دارای اطلاع نو است. پس می توان گفت عبارات "محدود" و "گسترده" نسبی هستند. در ادامه مقاله حاضر (بخش ۲-۲) از عبارات مشخص تری برای اشاره به انواع تاکید استفاده می شود. همانطور که مشخص است، جمله ای که خارج از بافت بررسی می شود می تواند دارای ابهام در تاکید باشد. البته همیشه نیز اینگونه نیست. اگر تکیه جمله بر روی کلماتی خاص قرار گیرد، باعث ابهام نمی شود. مثلا اگر در جمله (۶) تکیه جمله بر واژه "نو" قرار گیرد، تنها می توان تاکید محدود را از آن استنباط کرد که در آن صورت "نو" در مقابل "کهنه" یا واژه ای نظیر آن قرار می گیرد.

به این ترتیب می توان نتیجه گرفت که در جمله (۶)، مجموعه تاکید [focus set]، یعنی سازه هایی که می توانند تاکید جمله باشند (راینهارت و نیلمن ۱۹۹۷)، شامل اسم، گروه اسمی (در نقش مفعول)، گروه فعلی و جمله می باشند. پس همیشه رابطه یک به یک میان تکیه جمله و تاکید جمله وجود ندارد. سوالی که مطرح می شود این است که چگونه می توان در جمله ای واحد، مانند (۶)، مجموعه تاکیدی داشت که بیش از یک تاکید در خود دارد. به عبارت دیگر وقتی تکیه بی نشان جمله بر روی

کلمه "کامپیوتر" قرار دارد، چه عواملی باعث می شود که بتوان سازه های مختلف را در بافتهای مختلف تاکید جمله به حساب آورد. در بخش (۲-۲) به بحث نمایش نحوی تاکید می پردازیم که سعی دارد پاسخی برای این سوال ارائه کند.

۲-۱-۲ نمایش نحوی تاکید

همانطور که در بخش (۱-۲) عنوان شد، همیشه رابطه یک به یکی بین عنصر دارای تکیه و تاکید جمله وجود ندارد. به عبارت دیگر، تنها نمایش آوایی نمی تواند تاکید جمله را مشخص کند. از اینرو، در دیدگاهی دیگر، به نمایش نحوی تاکید توجه شده است. سلکرک (۱۹۹۵) و روچمنت^۵ (۱۹۹۸) بر این باورند که تاکید جمله از طریق ساختار نحوی آن مشخص می شود. دیدگاه آنها تحت نام فرافکنی تاکید [focus projection] مطرح است. فرضیه های مطرح در (۸) و (۹) در این دیدگاه وجود دارد.

(۸) قاعده اصلی تاکید (سلکرک ۱۹۹۵)

واژه ای که دارای تکیه جمله است، دارای نشانه تاکید است.

(۹) فرافکنی تاکید

الف. اگر هسته یک گروه دارای نشانه تاکید باشد، کل گروه دارای این نشانه است.

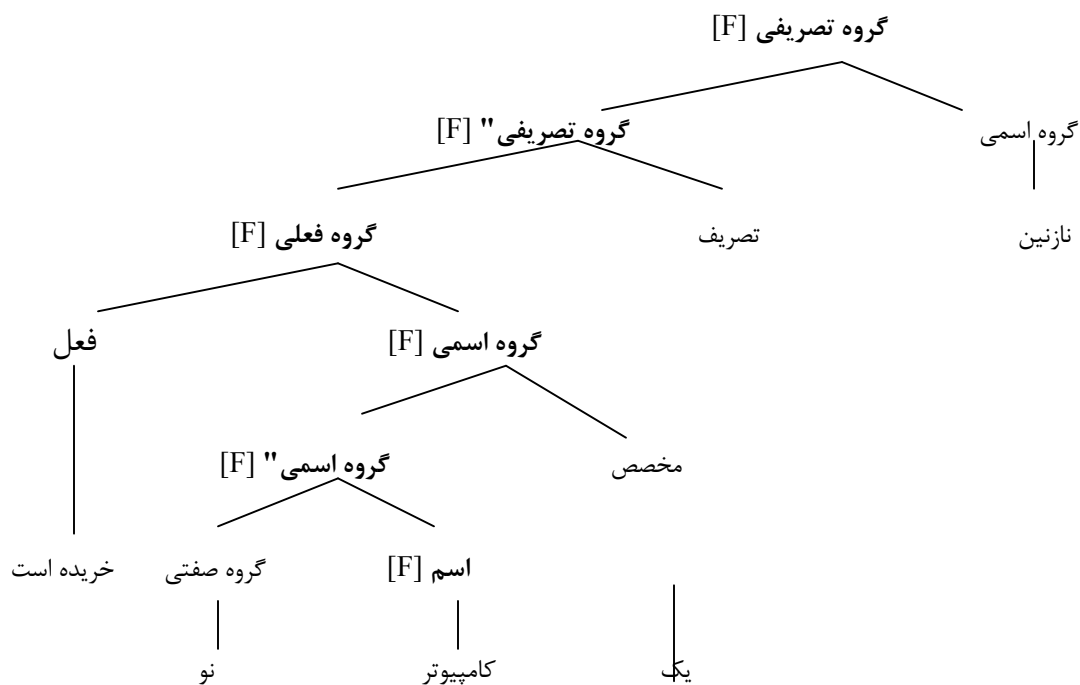
ب. اگر موضوع درونی یک هسته دارای نشانه تاکید باشد، هسته آن عبارت نیز دارای تاکید است.

ج. اگر هسته دارای نشانه تاکید باشد، ادات [adjunct] آن هسته نیز می تواند دارای نشانه تاکید باشد.

طبق قاعده (۸)، میان تکیه و تاکید رابطه وجود دارد؛ اگر واژه ای دارای تکیه اصلی جمله باشد، کل یا بخشی از تاکید جمله محسوب می شود. پس طرح نمایش نحوی تاکید نیز جدا از ویژگی آوایی آن نیست. در واقع بحث تاکید، موضوعی است که در تعامل بین ساخت آوایی و نحوی قرار دارد. اما قواعد مطرح در (۹)، نشان می دهد چگونه واحدهای بزرگتر از واژه ای که دارای تکیه است، یعنی گروه و جمله، نیز می توانند تاکید جمله باشند. اگر قرار است واحدی در جمله تاکید باشد، باید واژه ای را که تکیه جمله را با خود دارد، درون خود داشته باشد. و البته (۹) ب نشان می دهد که این واژه باید متمم هسته باشد تا بتواند از طریق فرافکنی کل سازه را به عنوان تاکید نشان دهد. اگر واژه دارای تکیه جمله، ادات یا موضوع بیرونی [external argument] باشد، نمی تواند فرافکنی کند و تنها تاکید محدود در جمله ممکن است (راینهارت ۱۹۹۷، سزوندی ۲۰۰۰، گودجواک ۲۰۰۰). بنابراین اگر تکیه جمله بر روی مفعول مستقیم، که متمم است، باشد؛ سازه های دربردارنده آن، یعنی گروه فعلی و جمله، نیز می

توانند تاکید جمله باشند. بحث مربوط به مثالهای (۶) و (۷) این موارد را نشان می دهد. اما اگر تکیه جمله بر روی ادات باشد، مانند جمله (۴) الف که تکیه بر روی صفت "جدید" است، و یا بر روی موضوع بیرونی باشد، مانند (۴) ب که تکیه بر روی فاعل جمله، "نازنین"، است؛ در آنصورت تاکید محدود به واژه دارای تکیه است و نمی تواند سازه ای بزرگتر باشد و فرافکنی کند.

جمله (۶) را که در (۱۰) تکرار شده است در نظر بگیرید. همانطور که در بخش (۲-۱) عنوان شد در این جمله تاکید دارای ابهام است، و بسته به بافتهای مختلف می تواند اسم (کامپیوتر)، گروه اسمی در نقش مفعول (یک کامپیوتر نو)، گروه فعلی (یک کامپیوتر نو خریده است) و کل جمله باشد. نمودار درختی این جمله (۱۱)، نحوه فرافکنی تاکید را بر اساس قواعد (۸) و (۹) نشان می دهد. واحدهایی که می توانند تاکید جمله باشند را با [F] نشان داده ایم. البته این نکته را نیز باید در نظر گرفت که این عناصر به طور بالقوه تاکید هستند، اما در هر بافتی یکی از آنها می تواند به کار رود. به عبارت دیگر فرافکنی تاکید اجباری نیست و به بافتی مرتبط است که جمله در آن به کار می رود.



نمودار (۱۰) نحوه فرافکنی تاکید

۳ انواع تاکید در فارسی

در بخش (۲) به نمایش تاکید از طریق تکیه و ساخت نحوی جمله پرداختیم. نتیجه بحث این بود که باید میان تاکید محدود که دارای رابطه یک به یک با تکیه جمله است و تاکید گسترده که از طریق اصل فرافکنی تعیین می شود تمایز بگذاریم. در این بخش قصد داریم به تفاوت این دو نوع تاکید اشاره کنیم. البته برای اشاره به تاکید گسترده، که تاکید بی نشان جمله است، با پیروی از چوی (۱۹۹۶) از اصطلاح تاکید اطلاعی استفاده می کنیم؛ و برای اشاره به تاکید محدود، که تاکید نشاندار است، از اصطلاح تاکید تقابلی بهره می بریم. در بخش (۳-۱) به تاکید اطلاعی می پردازیم و در بخش (۳-۲) ویژگی های تاکید تقابلی را عنوان می کنیم. این دو نوع تاکید، علاوه بر داشتن تفاوت کلامی، دارای ویژگیهای آوایی و نحوی متفاوتی نیز هستند. به طور کلی، در حالی که تاکید اطلاعی دارای تکیه بی- نشان جمله است و بر اساس دیدگاه سینک (۱۹۹۳) دارای جایگاهی بی نشان نیز می باشد، تاکید تقابلی دارای تکیه ای قوی تر است و می تواند در هر واحدی از جمله به کار رود و حتی دامنه آن می- تواند به یک تکواژ محدود گردد (مثال ۵). می توان گفت جایگاه تاکید تقابلی در جمله آزادتر از تاکید اطلاعی است. تاکید اطلاعی در هر جمله ای وجود دارد، اما تاکید تقابلی اینگونه نیست.

۳-۱ تاکید اطلاعی

سینک (۱۹۹۳) به بحث ارتباط بین تاکید (اطلاعی) و جایگاه تکیه در جمله می پردازد. راینهارت (۱۹۹۶) نیز دیدگاه سینک (۱۹۹۳) را پی می گیرد و البته آن را تعدیل می کند. سینک (۱۹۹۳) قاعده تکیه اصلی [nuclear stress rule] را در جمله ارائه می دهد. طبق این قاعده میان جایگاه تکیه جمله و ساختار نحوی آن رابطه وجود دارد. بر این اساس تکیه جمله بر روی درونی ترین [embedded] سازه جمله قرار می گیرد. البته سینک (۱۹۹۳) درباره رابطه بین تکیه و تاکید جمله چیزی نمی گوید، اما از آنجا که طبق قاعده مطرح از سوی جکنداف (۱۹۷۲)، تکیه اصلی جمله بر روی تاکید جمله واقع می شود؛ نتیجه این است که قاعده تکیه اصلی می تواند نشان دهد که محل تاکید در جمله کجا قرار دارد. در واقع از آنجا که تکیه اصلی جمله بر درونی ترین سازه قرار دارد؛ پس تاکید جمله نیز درونی ترین سازه جمله است (راینهارت ۱۹۹۶، راینهارت و نیلمن ۱۹۹۷).

راینهارت (۱۹۹۶) و راینهارت و نیلمن (۱۹۹۷) نیز دیدگاه سینک (۱۹۹۳) را پذیرفته اند و البته به طور مشخص به ارتباط جایگاه تکیه و تاکید پرداخته اند. راینهارت (۱۹۹۶) باور دارد که با پذیرش اینکه درونی ترین سازه جمله دارای تکیه است؛ می توان گفت این ویژگی باعث ایجاد یک مجموعه تاکید

[focus set] می شود. به این ترتیب مجموعه تاکید در هر جمله، شامل هر سازه ای است که در بردارنده تکیه اصلی جمله باشد. در بخش (۲-۱) بحثی که تحت نام ابهام در تاکید مطرح شد، به دیدگاه راینهارت (۱۹۹۶) نزدیک است. به این معنی که در جمله (۶)، بخشهای مختلفی مانند مفعول، گروه فعلی و کل جمله می توانند تاکید جمله باشند، زیرا همگی دارای کلمه ای هستند که تکیه اصلی جمله را با خود دارد. البته در همان جمله (۶)، امکانهای دیگری نیز برای تاکید وجود دارد. مثلاً فاعل جمله، "نازنین"، یا صفت "نو" می توانند تاکید جمله باشند، اما نکته مهم این است که در آن صورت آنها تاکید اطلاعی نیستند زیرا در تقابل با مفاهیم دیگر به کار رفته اند. راینهارت (۱۹۹۵) به این نکته اشاره داشته و قاعده ای نشاندار را برای تغییر جایگاه تکیه در جمله عنوان می دارد که در بخش (۳-۲) مطرح خواهد شد.

با توجه به مباحث عنوان شده می توان گفت که تاکید اطلاعی، تاکید بی نشان جمله است. سازه ای می تواند تاکید اطلاعی جمله باشد که دارای واژه ای باشد که تکیه اصلی جمله را با خود دارد. و بر اساس دیدگاه سینک (۱۹۹۳)، تکیه اصلی جمله بر روی درونی ترین سازه آن قرار دارد، پس تاکید اطلاعی جمله نیز با آن در ارتباط است. تاکید اطلاعی جمله در بافت مشخص می شود. در واقع تاکید می تواند کل جمله یا بخشی از آن را شامل شود. بخشی که تاکید اطلاعی جمله نیست، زمینه است. همانطور که در بخش ۲ عنوان شد، تاکید اطلاعی جمله سازه ای است که درون خود تکیه اصلی جمله را به همراه داشته باشد. سلکرک (۱۹۹۵) با استفاده از فرافکنی تاکید نشان داد که تاکید اطلاعی می تواند یک واژه یا کل جمله را در خود داشته باشد. در این بخش با استفاده از دیدگاه سینک (۱۹۹۳) سعی می شود جایگاه بی نشان تاکید اطلاعی در جملات مختلف فارسی نشان داده شود. سینک (۱۹۹۳) قاعده تکیه اصلی را برای تعیین جایگاه بی نشان تکیه جمله در زبانهای مختلف ارائه کرده است:

۱۱. قاعده تکیه اصلی جمله:

تکیه اصلی جمله بر درونی ترین سازه جمله واقع می شود.

به این ترتیب در زبان انگلیسی، سازه ای که بعد از فعل می آید تکیه اصلی جمله را با خود دارد، و در زبانهایی فعل در پایان جمله می آید، سازه ای که به فعل نزدیکتر است تکیه جمله را با خود دارد (راینهارت و نیلمن ۱۹۹۷، ایشی هارا ۲۰۰۰). در اشاره به زبانهایی که دارای آرایش واژگانی [فعل + مفعول] هستند، مانند انگلیسی، و زبانهایی که دارای آرایش واژگانی [مفعول + فعل] هستند، مانند

فارسی، راینهارت و نیلمن (۱۹۹۷) به ترتیب دو الگوی مطرح در (۱۲) الف و ب را برای نشان دادن تکیه اصلی جمله مطرح کرده اند.

۱۲. الف. گروه فعلی [فعل + مفعول]

ب. گروه فعلی [مفعول + فعل]

به این ترتیب مشخص می شود که در تعیین تکیه جمله، که فرایندی آوایی است، استفاده از اطلاعات نحوی مانند آرایش واژگانی و درونی ترین سازه جمله لازم است.

برای تعیین صحت و سقم دیدگاه سینک (۱۹۹۳) و به پیروی از او راینهارت و نیلمن (۱۹۹۷)، چو (۱۹۹۶)، ایشی هارا (۲۰۰۰) و کولز (۲۰۰۳)، به بررسی ساختهای مختلف جملات فارسی از قبیل جملات لازم، متعدی با یک مفعول و دو مفعول، جملات دارای فعل ربطی و جملات دارای قید پرداخته می شود.

جملات متعدی فارسی یا دارای مفعول همراه با "را" و یا بدون "را" هستند. در مورد نقش "را" مطالب بسیاری نوشته شده است که از آن میان می توان به دیدگاههای لازار (۱۹۷۰، ۱۹۹۲)، براون (۱۹۷۰)، کریمی (۱۹۹۰)، قمشی (۱۹۹۷)، دبیر مقدم (۱۳۶۹) و شکوهی و کیپکا (۲۰۰۳) اشاره کرد. بررسی دیدگاههای افراد مذکور هدف این مقاله نیست و معرفی کامل نظریه های مختلف را در دبیرمقدم (۱۳۶۹) و شکوهی و کیپکا (۲۰۰۳) می توان مشاهده کرد. با بررسی دیدگاههای مختلف در مورد "را" می توان به این نتیجه رسید که همگی آنها نقشی کلامی را برای آن در نظر گرفته اند. برخی آن را نشانه معرفه، براون نشانه مشخص بودگی [specificity]، کریمی نشانه مبتدا، دبیرمقدم نشانه مبتدای ثانویه و شکوهی و کیپکا آن را همراه با اسامی قابل تشخیص [identifiable] می دانند. نکته مشترک این دیدگاهها این است که هیچکدام "را" را نشانه اطلاع نو در جمله نمی دانند. به این ترتیب می توان گفت اگر در جمله ای مفعول همراه با "را" باشد، به تنهایی تاکید اطلاعی جمله نیست و تکیه اصلی جمله را نیز با خود ندارد. بر این اساس دو جمله (۱۳) الف و ب نشان دهنده ساخت بی نشان جملات متعدی در فارسی هستند. (۱۳) الف ساختی است که دارای مفعول مستقیم همراه با "را" است که قبل از مفعول غیرمستقیم واقع شده است، و (۱۶) ب ساختی است که در آن مفعول مستقیم بدون "را" آمده است و در مجاورت فعل قرار گرفته است.

۱۳) الف. نازنین کتاب را به آریا داد.

ب. نازنین به آریا کتاب داد.

در حالت بی نشان تاکید اطلاعی جمله (۱۳) الف می تواند مفعول غیرمستقیم، گروه فعلی و یا کل جمله باشد؛ اما فقط مفعول مستقیم نمی تواند تاکید اطلاعی باشد چون دارای تکیه جمله نیست و به همین خاطر درونی ترین سازه جمله نیز واقع نشده است، و همراه با "را" آمده است که اطلاع نو را نشان نمی دهد. اما در (۱۳) ب تاکید اطلاعی جمله می تواند مفعول مستقیم (کتاب)، گروه فعلی و یا کل جمله باشد. در این حالت مفعول غیرمستقیم نمی تواند به تنهایی تاکید اطلاعی جمله باشد چون نزدیکترین سازه به فعل نیست. پس تاکید اطلاعی در فارسی در حالت بی نشان نزدیکترین عنصر به فعل است؛ البته اگر آن عنصر مفعول مستقیم همراه "را" نباشد، زیرا در آنصورت خود فعل تاکید اطلاعی بی نشان جمله است.

۲-۳ تاکید تقابلی

کیس (۱۹۹۸) براین باور است که جملات اسنادی شده [cleft sentence] در انگلیسی دارای تاکید تقابلی هستند. وی نمونه (۱۴) را به عنوان شاهد ذکر می کند.

14. It was A HAT that Jack bought.

در این جمله سازه A HAT که در ساخت اسنادی شده قرار گرفته است، در تقابل با حداقل یک سازه دیگر، مثلاً a shirt واقع شده است. به این ترتیب تاکید تقابلی علاوه بر اینکه اطلاع نو جمله است، در تقابل با عنصر یا عناصر دیگر نیز قرار می گیرد. تاکید تقابلی به لحاظ کاربردی می تواند عنصری را از یک مجموعه انتخاب کند و در تقابل با اعضای دیگر قرار دهد.

با اینکه در تاکید تقابلی نیز ممکن است اطلاعی نو وجود داشته باشد اما مهم ترین ویژگی تاکید تقابلی نوعی تقابل [contrast] است که آن را در برابر عناصر دیگری قرار می دهد که این خاصیت تقابل را ندارند (چو ۱۹۹۶؛ ولدووی و ویلکونا ۱۹۹۸). کاربرد تاکید تقابلی با تاکید اطلاعی دارای تفاوت هایی است. نخستین تفاوت این است که تاکید تقابلی فقط عنصر یا عناصر خاصی از یک مجموعه را انتخاب می کند اما تاکید اطلاعی می تواند به یک عضو از مجموعه ای اشاره کند درحالی که به معنای نفی بقیه عناصر نباشد. مثال (۱۵) این تفاوت را نشان می دهد:

۱۵. -تابستان کجارتی؟

الف. - من به شمال رفتم. (تاکید تقابلی: یعنی فقط "شمال" و نه جای دیگر).

ب. - من به شمال رفتم. (تاکید اطلاعی: یعنی به شمال و احتمالاً مکانهای دیگر رفتم).

همان طور که مشخص است تاکید تقابلی بخشی از یک مجموعه را انتخاب می کند و در تقابل با اعضای دیگر مجموعه قرار می دهد. می توان وظایف زیر را برای تاکید تقابلی در نظر گرفت:

۱۶) الف. نقش انتخابی مثال: - مریم شکر خرید یا آرد؟

- او شکر خرید.

ب. نقش محدودکننده:

مثال: - چون مریم شکر و آرد خرید می تونه کیک درست کنه.

- نه، او فقط شکر خرید.

ج. نقش بسط دهنده:

مثال: - چون مریم شکر خرید پس حتماً خیلی خوشحال است.

- بله اما او آرد هم خرید پس میتونه کیک درست کنه.

د. نقش جایگزینی:

مثال: - مریم به تهران رفت.

- نه او به مشهد رفت.

ه. نقش تاکید برابر:

مثال: مریم شکر خرید اما زهره آرد خرید.

فارسی از ابزارهای نحوی؛ مانند جملات اسنادی شده (ادیسون بود که برق را اختراع کرد) و شبه اسنادی شده (کسی که برق را اختراع کرد ادیسون بود)، صرفی؛ مانند استفاده از قیود تاکید (فقط، تنها و...)، "که" تاکید (من که علی را نزد)، و "را" (امشب را در شیراز می مانم)، و آوایی یعنی استفاده از تکیه تقابلی جمله، می تواند تاکید تقابلی را نشان دهد. بحث هر یک از موارد مذکور نیازمند فرصتی جداگانه است.

۴ خلاصه و نتیجه گیری

تاکید بخشی از جمله است که دارای اطلاع نو می باشد و در مقابل زمینه که دارای اطلاع نو نیست قرار می گیرد. تاکید از سویی با ساخت آوایی زبان در ارتباط است و به نظر برخی از زبانشناسان دارای رابطه

متناظر با تکیه جمله است، و از سویی دیگر با ساخت نحوی جمله در ارتباط است و تابع اصل فرافکنی است. همچنین تاکید را می توان در دو طبقه تاکید اطلاعی و تاکید تقابلی قرار داد. تاکید اطلاعی دارای اطلاع نو است، در هر جمله لازم است و تاکید بی نشان جمله است. اما تاکید تقابلی دارای اطلاع نو به همراه معنای تقابل است و تاکید نشاندار جمله است.

فهرست منابع

- Birner, B and Sh. Mahootian .1996. " Functional constructions in inversion in English and Farsi", *Language Science*, Vol 18, pp: 127-136.
- Browning, M. and E. Karimi. 1994. "Scrambling to object position in Persian", in N. Crover H. van Riemsdijk (eds), *Studies on Scrambling*, Mouton de Gruyter, Pp:61- 100.
- Choi, Hye-Won .1996. Optimizing Scrambling in Context: Scrambling and Information structure. Ph.D. dissertation, Stanford University.
- Choi, Hye-Won .1997. " Information Structure, Phrase structure and their Interface", In : M. Butt and T.H.King (eds) *Proceedings of the LFG97 Conference*, CSLI.
- Cinque, G. 1993. " A null theory of phrase and compound stress", *Linguistic Inquiry* 24: 239-298.
- Cowles, H.W. 2003. Processing information structure: evidence from comprehension and roduction. Ph. D. Dissertation. University of California. San Diego.
- Dabir Moghaddam, M. 2001. " Word order typology of Iranian languages", *The Journal of Humanities*, vol. 8, no.2, pp: 17-22.
- Dayal, V. 1994. "Binding facts in Hindi and the scrambling phenomenon. In Butt et al (eds) , 237-262.
- Dayal, V. 1999. "Bare NPs. Reference to kinds and Incorporation", *Proceedings of SALT LX*.
- Dayal, V. 2003. " Bare nominals : non –specific and contrastive reading under scrambling. In Karimi (ed). *Word Order and Scrambling*. Blackwell.
- Ghomeishi, J. 1996. Projection and Inflection: a study of Persian phrase structure. Toronto: University of Toronto dissertation.
- Ghomeshi, J. 1997. " Vp-topics in Persian", *Lingua*, 102: 133-167.
- Godjevac, S. 2000. Intonation, Word Order, and Focus in Serbo-Croatian, Ph.D. dissertation, Ohio State University.
- Hockey , B. Ann .1998. The interpretation and realization of focus: an experimental Investigation of focus in English and Hungarian. Ph.D. Dissertation, University of Pennsylvania.
- Ishihara, S. 2000. " Stress, Focus and Scrambling in Japanese", in *MIT Working Papers in Linguistics*, 39: 142-175.
- Karimi, S. 1990. "Obliqueness , specificity and discourse functions: Ra in Persian" *Linguistic Analysis*, 20:139-191.
- Karimi, S. 1997. "Complex verbs in Persian", *Lexicology*, 3,1:274-316.
- Karimi, S. 1999. "Is scrambling as strange as we think it is?", *MIT Working Papers in Linguistics* 33: 159-190.

- Karimi, S. 2001a. 'Word order and scrambling', a talk presented in workshop at Persian linguistics, Allame Tabataba'i University.
- Karimi, S. 2001b. "Persian complex DPs: how mysterious are they?", *Canadian Journal Of Linguistics*, 46(1/2): 63-96.
- Karimi, S. 2003. "Object positions and scrambling in Persian", in Karimi (ed). *Word Order and Scrambling*. Blackwell.
- Kiss, Katalin E. 1998. "Identificational focus versus information focus", *Language*; 74:245-273.
- Miyagawa, S. 1997. "Against optional scrambling", *Linguistic Inquiry*, 28:1-25.
- Nikolaeva, Irina. 2001. "Secondary topic as a relation in information structure", *Linguistics*, 39-1, 1-49.
- Reinhart, Tanya. 1996. "Interface economy: focus and markedness", In: *The Role of Economy Principle in Linguistic Theory*, C. Wilder et al (eds), Berlin: Academic Verlag.
- Reinhart, Tanya and Ad Neeleman. 1997. "Scrambling and PF interface", in W. Cobler and M. Butt (eds) *Projection from the Lexicon*, CSLI, Stanford.
- Sekerina, I. 1997. *The syntax and processing of scrambling in Russian*. Ph.D. dissertation, The city University of New York.
- Szendori, Kriszta. 2001. *Focus and the Syntax- Phonology Interface*, Ph.D. Dissertation, University College London.
- Vallduvi, Enric. 1990. *The Information Component*. Ph.D Dissertation. University of Pennsylvania.
- Vallduvi, E. and E. Engdahl. 1996. "The linguistic realization of information packaging", *Linguistics* 34: 459-519.
- Vallduvi, E. and M. Vilks. 1998. "On rheme and Kontrast", in Culicover P. and L. McNally (eds), *The Limits of Syntax*. New York: Academic Press, 79-108.

اسلامی، محرم و محمود بی‌جن خان. ۱۳۸۱. "نظام آهنگ زبان فارسی"، *مجله زبان‌شناسی*، سال ۱۷، شماره ۲، صص ۳۶-۶۲.

اسلامی، محرم. ۱۳۸۲. "نحو و واج‌شناسی: یک وجه مشترک"، پژوهش‌های زبان‌شناسی ۱ (ویژه جشن‌نامه دکتر علی‌اشرف صادقی)، انتشارات هرمس، تهران. صص ۱۷۱-۱۷۶.

دبیرمقدم، محمد. ۱۳۶۹. "پیرامون را در زبان فارسی"، *مجله زبان‌شناسی*، سال ۵، شماره ۱، صص ۲-۶۰.

دبیرمقدم، محمد. ۱۳۷۸. *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*، تهران: سخن.

راسخ‌مهند، محمد. ۱۳۸۲. *قلب‌نحوی در زبان فارسی*، پایان‌نامه دوره دکترای زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبایی.